

یونانی برای زندگانی کوروش هردوت کسنفون و کتسیاس است. مهم ترین منابع شرقی اروپا در نامده محروفا شینونید شاه کلدانی است که از کوروش شکست خورد و گذارش خود کوروش استوانه کوروش است. بقایه مورخان بزرگ یونانی درباره احوال و آثار کوروش اختلافات زیادی دارند در میان منابع کهن یونانی موجود که درباره کوروش هخامنشی سخن گفته اند مهم ترین از آنها هردوت کتسیاس و کسنفون هستند.

بقایه و رای هردوت - از منابع کهن نوشته های هردوت تا حدودی قابل اعتماد است و پژوهش های باستان شناسی هم درباره از موارد گفته های هردوت را تأیید میکند. مورخین معاصر معتقدند که هردوت همواره مایل هم تاریخ را با افسانه سرداری آمیخته است. هردوت گفتاری کاملاً منفی به کوروش نسبت داده

رای کتسیاس راجع به کوروش بزرگ - کتسیاس پزشک یونانی بوده که میان سالهای 415 BC - 398 BC به عنوان پزشک پروشات همسر داروش دوم و اردشیر دوم پادشاه هخامنشی در دیار ایران زیسته است. وی 23 جلد کتاب تحت عنوان پارسیان نگاشته است که بدخشانه اهل آن از بین رفته است. دانشمندان و مورخان نوشته های کتسیاس جنبه داستان سازی و تفریح انگیز و نادرست می دانند.

رای کسنفون درباره کوروش - کسنفون کتابی بنام "سیرت کوروش یا کوروش نامه" باید نوشته. درباره این کتاب باید گفت که سرشت تحلیلی و تصور کتاب او تا مدتها مورد قبول خاورشناسان بوده است اما این کتاب امروزه در شمار آثار ویژه ادبی طبقه بندی شده است. هرگونه سنجش و ارزیابی

گوروش نامه به عنوان کتابی تاریخی پذیرفته شده است  
 منابع یهودی - در خلال فتح بابل، گوروش دستور  
 خود در خصوص آزادی های اجتماعی و دینی اعلام  
 کرد. بنی اسرائیل نیز مشمول چنین قانونی شد  
 و گوروش آنها را مخیر کرد که در بابل بمانند  
 یا به سرزمین کنعان در ساحل مدیترانه باز  
 گردند در خصوص زنان که بازگشتند گوروش  
 تکفیدی را برای بازسازی هیکل یا معبد سلیمانی  
 فراهم آورد و استقرار آنان را در آن منطقه تسهیل  
 کرد. این رفتار برای یهودیان که نقطه مقابل رفتار  
 اسارت بار بابلیان بود، گوروش را به قدری  
 برای قوم هود بدل ساخت که جایگاه ویژه ای  
 در میان دینی آنان یافت. گوروش همچون "ابزار  
 اجل تاریخی یهوده" ظاهر می شود که بدوران  
 تبعید آنان پایان می بخشد و دوران تازه ای را  
 شروع میکند نکته جالب این است که یهودیان  
 گوروش را مسیح خداوند و نجات دهنده خود  
 اعلام کردند

تاریخ نویسان باستانی از قبیل هردوت  
 کتسیاس و سنفون درباره جلونگی تراش  
 گوروش اتفاق نظر ندارند اگر هر یک سرگذشتی  
 تولد وی به شرح خاصی نقل کرده اند بیشتر شبیه  
 افسانه و باخند تاریخ نویسان نامدار زمان  
 مثل حسن پرنیا و دیگر تراش گوروش را از  
 هردوت برگرفته اند بنا به نوشته های هردوت  
 خوابی ایستوویکو مربوط به او از خواب دختر ماندانا  
 و از تعبیر خواب خویش می ترسید و دختر  
 خود را به بزرگان داد و وی ایستوویکو  
 ماندانا را به گنجینه اول به زناشوی داد  
 ماندانا پس از ازدواج با گنجینه باردار شد  
 پادشاه بار دیگر خواب دید و مخها تعبیر خویش